

- یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۵۸
- اذان ظهر ۱۲/۰۶ • اذان مغرب ۱۸/۵۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۴/۱۲ • طلوع آفتاب فردا ۵/۳۹

ایران



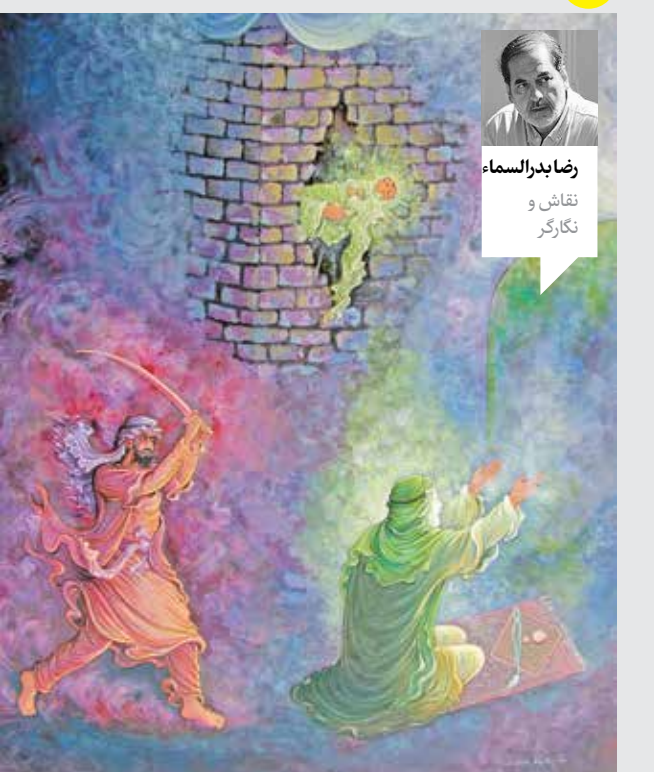
امام‌علی(ع):
کنج‌های روزی در وسعت اخلاق نهفته است.

سخن‌روز

کافی، ج ۸، ص ۲۳

نگاره

به کعبه ولادت به مسجد شهادت



رضابدرا السماء نگاش و نگارگر

فضای مجازی

اجرای نمایشی به کارگردانی سیاوش ظهورث در سالن استاد سمندریان، گلایه فریبا کلهر به رضا کیانیان بابت اظهارنظر اخیرش درباره مرگ گیومرث پوراحمد، برپایی کارگاه مبنای داستان نویسی به تدریس ناهید طباطبایی، بازنشسترمانی از حبیب احمدزاده و حدس و گمان‌هایی دربارهٔ رکوردشکنی تابلوی نقاشی از هنرمند مشهور دانمارکی، عنوان مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

گلایه کلهر از نوشته رضا کیانیان

فریبا کلهر مترجم و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در تازه‌ترین پست خود درباره نقل قولی از رضا کیانیان مبنی بر اینکه «یکی زنگ زد پرسید پوراحمد چرا خودشو کشت؟ گفتم امروز زنده عروسی با تجربه‌های خیابانی، توانمندی افزون تری برای شیوه کار خود پیدا می‌کنند. به همین ترتیب باید به عکاسی سینما و تئاتر،

عکاسانی که مدام در آتلیه کار می‌کنند، آتقدر به استفاده‌آسان از منابع نوری قابل کنترل عادت کرده‌اند که برای بهره‌برداری از بهترین شرایط نوری طبیعت، چالاکي لازم را ندارند. حتی عکاس های مجالس عروسی با تجربه عکاسی خیابانی، توانمندی افزون تری برای شیوه کار خود پیدا می‌کنند. به همین ترتیب باید به عکاسی سینما و تئاتر، صنعتی و تبلیغاتی، مد دینیک، گردشگری، خبری، طبیعت، معماری و… اشاره کرد. عکاسی خیابانی تجربه‌ای است که برای عکاس‌ها در برابر مواجهات کلیشه‌ای و همین‌طور در مقابل فریب‌های فنی و تنوع گنج کهنده ابزارها، مصونیت ایجاد می‌کند. عکاسی خیابانی این روزها به دلایل مختلف تحت فشار قرار گرفته است. از طرفی موضوعات امنیتی و از طرفی مزهای غیرقابل تعین در حفظ حریم خصوصی فردی، بدقهمی در موضوع حریم خصوصی یا ممنوعیت‌های عرفی و فرهنگی. با وجود پیشرفت‌های فنی و رواج هنر عکاسی، شاید دنیای هنر هرگز به‌رغم سرعت افزایش بی‌سابقه در تولید و نشر کمکس، بی‌گمان قرن بیست و یکم در قالب روایت عکس‌های خیابانی، روایتی ناقص و به شدت سانسور شده خواهد بود. شاید ایرغول‌هایی هم که روزگاری پشت‌ناله عکاسی خیابانی بودند، با اتخاذ سیاست‌های جانبدارانه، به صف دشمنان پنهان این رسانه بدل شده باشند.

رمانی خواندنی برای نوجوانان

«شطرنج یا ماشین قیامت» کتابی از حبیب احمدزاده برای نوجوانان است؛ داستانی خواندنی که در قالب رمان پیش‌روی مخاطبان قرار گرفته و به همت انتشارات سوره مهر به تازگی چاپ دیگری از آن روانه کتابفروشی‌ها شده است. اگر علاقه‌مند به کسب اطلاعات بیشتر درباره این نوشته احمدزاده هستید، سری به صفحه این انتشارات در

شبکه‌های اجتماعی بزنید. در معرفی «شطرنج یا ماشین قیامت» آمده است: «این رمان یک اثر فلسفی-اجتماعی دربارهٔ سنه روز زندگی یک بسیجی هفده ساله در شهری است که توسط عراقی‌ها محاصره شده است. او دیده‌بان توپخانه است اما به‌رغم میل باطنی اش مسئولیت وانت غذا به او محول می‌شود و باید علاوه بر گذارسانی به رزمندگان، به سه نفر از آدم‌های عجیب و غریبی که شهر را ترک نکرده‌اند هم غذا برساند. عراقی‌ها به سیستم پیشرفته رادار مجهز شده‌اند و او به دنبال آن نیز می‌گردد. این بسیجی رادار ماشین قیامتی است که نویسنده برای یافتن آن با استناد به سه قسمت از کتاب‌های مقدس قرآن، انجیل و تورات، فلسفه آفرینش انسان و زندگی‌اش را در آخرت از دیدگاه یک بسیجی نوجوان، روسپی زمان شاه و مهندس پانزشته‌سپا بالايشگاه آبادان که ترکیبی از گناه و بی‌گناهی، سادگی و مکاری و تقدس و کفر هستند، بازخوانی می‌کند.

محسن چاوشی سال نورا با «رهایم کن» آغاز کرد

«رهایم کن» تازه‌ترین اثر محسن چاوشی این هفته منتشر می‌شود. محسن چاوشی به تازگی قطعه‌ای را با عنوان «رهایم کن» با ترانه‌ای از امید روزبه برای سرپال «رهایم کن» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی تولید کرده است. پخش این قطعه جمعه ۲۵ فروردین‌ماه، همزمان با بخش قسمت نهم «رهایم کن» از فیلمیو خواهد بود.

رکوردشکنی یک تابلوی نقاشی

یکی از تابلوهای «ویلhelm هامرشوی» نقاش دانمارکی در حالی بزودی در آن لندن به حراج گذاشته می‌شود که ارزش برآورد شده آن رکورد بالاترین تخمین برآی یک تابلوی نقاشی دانمارکی را شکسته و می‌توان انتظار داشت رکورد جدیدی در فروش آثار او به ثبت برسد که به عنوان گران‌ترین هنرمند دانمارکی شناخته می‌شود.

«هامرشوی» نقاش کپنهاگی در فاصله ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۸ میلادی پربرآترین دوره فعالیت خود را داشت. این نقاش در آن زمان در طبقه بالای آیارتمان قرن هفدهمی زندگی و کار می‌کرد. «هامرشوی» در این مکان تابلوهای نقاشی خلق کرد که امروزه به دلیل فضای آرام و در عین حال مرموز شهرت دارند. این تابلوهای نقاشی که اغلب یک آپارتمان را به تصویر می‌کشند، این نقاش را به گران‌ترین نقاش دانمارکی حراجی‌ها تبدیل کرده است، چراکه سه مورد از تابلوهای نقاشی که از سال ۲۰۱۷ تاکنون به فروش رسیده است فراتر از پنج میلیون دلار ارزش داشتند. تابلوی نقاشی «فضای داخلی / اتاق موسیقی» فضای تقریباً خالی و سه ساز موسیقی را به تصویر می‌کشد که گوئی در اتاقی مشرف به خیابان رها شده‌اند. این نقاشی در مواردی به نمایشگاه‌هایی امانت داده شده است که از جمله آنها می‌توان به نمایشگاه‌هایی در موزه اورسی و گوگنهایم اشاره کرد.

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** کمیل نقی‌پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- «مهدی مهرپور(اقتصادی)» «مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)» آزاده سهرابی(اجتماعی)

- بنفشه غلامی(جهان) «علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری(اندیشه) «محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهره کشوری(زیست‌بوم) «سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرنژاد(اجرای)
- حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) «ابوالفضل نسایی(عکس)

نقل قول



ابراهیم اصفری تهیه‌کننده

توافق ۷ میلیاردی فارابی و تلویزیون بر سر«شماره ۱۰»

تا جایی که من اطلاع دارم چیزی در حدود ۶ تا ۷ میلیارد تومان برای حق پخش «شماره ۱۰» از سوی تلویزیون پرداخت شده است. این مبلغی است که باید برای حمایت از فیلم‌های دفاع مقدسی از سوی تلویزیون پرداخت شود اما ای کاش صاحبان آثار را ملزم نکنند که فیلم قبل از اکران عمومی از تلویزیون پخش شود. بالاخره بنیاد سینمایی فارابی هم ترجیح می‌دهد فیلم‌هایش ابتدا اکران عمومی شود و بعد به شبکه نمایش خانگی راه پیدا کند اما وقتی با اصرار و پیگیری مدیران تلویزیون مواجه می‌شود به‌عنوان یک نهاد حاکمیتی خودش را ملزم می‌بیند که این تعامل را با صداوسیما داشته باشد. به نظرم این مدیران تلویزیون هستند که می‌توانند این روند را اصلاح کنند که هم به نفع سینمای دفاع مقدس است، هم به نفع تلویزیون و هم به نفع مخاطب است.

بخشی از صحبت‌های تهیه‌کننده «شماره ۱۰» با مهر

یادداشت

سربازان هنر هفتم

مخترعان سینما، یک قشون‌اند. از پیر جاسنن منجم که می‌خواست با «پتانچه عکاسی» حرکت عبور زهره از جلوی خورشید را ضبط کند، بگیریم تا ادوارد مایبریج عکاس که حرکات اسب‌ها را برای درک بهتر مربیان سوارکاری ثبت کرد. حتی توماس ادیسون با دستگاه شهرفرهنگش که «کینه‌توسکوپ» نام داشت، در ۱۸۹۴ تنها یک قدم با ثبت سینما در سیاره بلندبالای اختراعاتش فاصله داشت، اما اما امروز برادران لومیر و البته بیشتر لویی را

شایسته عنوان «مخترع سینما» می‌دانیم. «سینماتوگراف»، حاصل یک شب‌زنده‌داری اثربخش لویی لومیر بود. دستگاهی که برخلاف کینه‌توسکوپ سبک، قابل حمل و چندکاربری بود. سینماتوگراف نه‌فقط فیلمبرداری، بلکه ظهور نکاتیو و پخش آن را هم انجام می‌داد. این یک واحد تولید و پخش سیار بود که خیلی زود به خاطر ویژگی‌های منحصربه‌فردش عالمگیر و باعث شهرت مخترعش شد. اولین تصاویر ضبط شده با سینماتوگراف از «آکارگران در حال ترک کارخانه لومیر» بود و البته همین فیلم ۴۶ ثانیه‌ای که در ۱۸۹۵ تولید شد، هم‌زمان عنوان اولین فیلم تاریخ سینما و اولین فیلم مستند را از آن خود کرد. سینما ما فیلم مستند زاده شد و خیلی زود شبکه گسترده لومیرها متشکل از دستگاه‌های سینماتوگراف و فیلمبرداران آن که به سراسر دنیا فرستاده می‌شدند، آوازه معجزه جدید را به گوش همه جهان رساندند. احتمالاً معروف‌ترین فیلم آن دوران را که «رود لگوموتیو بخار به ایستگاه لسیونه» باشد دیده‌اید، یا اوصاف تماشاگران سالن را شنیده‌اید که از ترس قطاری که از دل پرده بزرگ رویه‌رو مستقیم به سمتشان می‌آمد، به هرسو فرار می‌کردند. همین فیلم هم حاصل هنر لومیرها بود و خیلی زود تعداد زیادی فیلم مثل آن ساخته و در گنجینه‌ها آنها آرشیو شد. «استودیو ماریای سیاه» ادیسون خیلی زود فراموش شد و لومیرها یک‌هتا: دنیای سینما شدند. مردم برای دیدن فیلم غذا دادن به کودک، پاشیدن آب به نغبان، ماهیگیران، قایقرانان، مأموران آتش‌نشانی و مثل آن ساعت‌ها یک فرانک در دست در صف منتظر می‌ماندند تا صندلی‌های سالن‌های نمناک باشگاه فیلم گراند کافه پرو خالی شود و آنها بتوانند دوباره و دوباره معجزه نور و تصویر را ببینند. اگر ذکات لویی لومیر نبود خیلی زود اسرار ساخت سینماتوگراف لو می‌رفت اما او با وقت‌شناسی و زیرکی تا هرچه‌قدر که می‌شد، به جای فروش سینماتوگراف، شبکه جهانی ضبط و پخش فیلمش را گسترده می‌کرد. او اپراتورها را به انگلیس، اسپانیا، روسیه، ایالات متحده و بعدتر به چین و هند فرستاد. حتی رسیدن سینماتوگراف به جئوپگان هم چندان به طول انجامید. اینطور شد که مردمی از چین توانستند ببینند شاهزاده‌ای در آنکشتی قطور تاجگذاری می‌کند و همه خودشان را در مقام شاشف جهان تصور کنند. این حس اکتشاف اولین مرحله از رشد سینمای مستند بود که خیلی زود در تمام رسوخ کرد و با شتابی فزاینده همه‌گیر شد. در اواخر ۱۸۹۷ شمار فیلمبردارهای لومیر در سطح جهان به بیش از ۱۰۰ نفر و فیلم‌ها به بیش از ۷۵۰ عنوان رسیده بود. هرچند ما از ایشان تنها نام تعدادی انکشت شامو را می‌دانیم اما سینمای مستند خود را مدیون همین «سربازان هنر هفتم» می‌دانم.

پیشنهاد

در هم شکستن کلیشه‌های زنان

مستند «بانوی مهر» به تهیه‌کنندگی مجتبی حدیدی که در قالب مجموعه مستند «قهرمانان معمولی» روی آنتن شبکه مستند رفته است، تریسی از زندگی بانویی کارآفرین و قهرمانی نجیب، مه‌ریان و پُرژا امیدری است که هیچ نمایی ندارد از تلخی‌ها بگوید. به اعتقاد او از شیرینی‌های کار و زندگی سخن گفتن به انسان انرژی مضاعف می‌دهد. آیا این «بانوی مهر» کارآفرینی موفق است؟ فاطمه ذاکریان، کارآفرینی مصمم و کوشا و پرتلاش، وقتی در مواجهه با خواسته‌هایش «نه» می‌شنود، نمی‌هراسد و جا خالی نمی‌کند. به اعتقاد او، انسان باید تلاش کند، زنان باید خلاق و پویا باشند. او متاهل و دارای همسر و سه فرزند پسر است که یکی از آن‌ها رسولدی است. بانوی کارآفرین دوست ندارد از فرزند معلول‌اش بگوید چون حضور این پسر را یک نعمت و موفقیت‌ها می‌داند و هم‌رسولدی از او می‌داند. او تصمیم می‌گیرد با تمام تجربه‌هایی که دارد به دیگر هم‌نوعان خود کمک کند. به همین منظور وارد روستاهای منطقه می‌شود. هرچند هر بار با دست در بر سینه و بی‌محلی‌ها روبه‌رو می‌شود اما روستای خُرآشاد در خراسان جنوبی با عنوان هدف نهایی اجرای طرح‌هایش انتخاب می‌نماید؛ روستایی کم‌آب و مریدمانی درگیر خشکسالی که معیشت‌شان تحت‌الشعاع این موضوع قرار گرفته است. برای این قهرمان کم‌آبی‌معنا ندارد چون می‌توان از این موقعیت استفاده بهینه‌ای کرد.

بانوی کارآفرین پارچه باف، حرفه‌ای، مصمم و علاقه‌مند است تا هنر سنتی و قدیمی «توبافی» را به همه مردم ایران معرفی کند. تلاش‌های بی‌وقفه‌ او بویژه در دو دهه اخیر با تشویق زنان، آموزش و به اشتراک‌گذاری با آنان نوأم بوده است که بالاخره به ثمر می‌نشیند و طینن دستگاه‌های پارچه‌بافی در کوجه‌های خراساد به جریان می‌افتد. حالا هنر او وسعت پیدا کرده و مشتریان هنر دست او زنان روستا، نه در داخل بلکه خارج از کشور روبه افزایش است. او نه تنها یک کارآفرین است بلکه یک نوآور است. تولیدات او دیگر تغییر شکل داده‌اند و فقط به دستمال آشپزخانه و حوله محدود نمی‌شود بلکه محصولات

و تغییر و تنوع پیدا کرده‌اند. حالا او بزرگ فکرمی‌کند و در فکر تأسیس یک کارخانه کوچک نساجی در خراساد است. این بانوی مهر همچون دیگر کارآفرینان، کارآفرینی نوآور است. بدون شک او آزمون و خطاهای فراوانی داشته است که از خطاهای خود درس‌ها آموخته و می‌خواهد لحظه‌های موفقیت خودش را با دیگران به اشتراک بگذارد. خانم ذاکریان خواستن و توانستن را به اثبات رساند و نشان داد این توانایی را دارد که مسیر رسیدن برای دیگران را تسهیل کند. متأسفانه در موضوع کارآفرینی در ایران بویژه اگر زنان، کارآفرینی باشند، تصویر کلیشه‌ای وجود دارد که زنان در کارهای کوچک می‌توانند نقش داشته باشند و توان ورود به کارهای بزرگ تولیدی را ندارند که خانم ذاکریان این کلیشه را درهم شکست. مستند «بانوی مهر» نشان داد این وظیفه جامعه و رسانه ملی است که از این زنان الگو بسازد، زیرا سختی‌ها و تلاش‌های آنان به ثمر می‌نشیند و می‌توان بارها از این تلاش‌ها سخن گفت، نه به منظور صرفاً معرفی بلکه به منظور چگونه توانمند شدن آنها، این که آنان می‌توانند مسائل و مشکلات معیشتی خانواده‌ها را حل کنند، همچنین می‌توان تصویر واقعی از توانایی زنان حتی در دورترین نقاط ارائه داد و به ایجاد و افزایش اعتماد به نفس زنان دیگر کمک کرد و نشان داد می‌توان همه کلیشه‌های فرهنگی و سنتی را که زنان تنها برانزده نقش مانور می‌راند، شکست. خانم ذاکران نمونه یک قهرمان زن توانمند، ساعی و پرتلاش است که بذر خواستن را در دل دیگران کاشت و با کمک همان‌ها پروراند. هرچند قهرمان معمولی خراساد توانست ثمره کار جمعی خود را ببیند اما نقش و جای حمایتگری قانونی و مالی دولت در دوره کارآفرینی او همچنان خالی است. دولت‌ها در مقاطع مختلف نشان دادند که هنوز نتوانسته‌اند حامی قانونی و مالی مناسب و خوبی برای کارآفرینان این کشور باشند؛ آن‌ها هنوز هم به تنهایی بار سختی‌ها را به دوش می‌کشند.

تلفن

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰: ۸۸۷۶۱۲۵۴: ۸۸۷۶۹۰۷۵: ارتباط مردمی
- پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳: روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰۵۳۸۷۵: **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه انزو۱۰۱۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

سعدی

فردا که هر کسی به شفیعی ززند دست ماییم
دست و دامن معصوم مرتضی

دعای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

اللّهُمَّ بَنِّهْنِي لِفِهْرِ لِبَرَكَاتِ اَسْحَارِهِ وَتَوَفِّهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ اَنْوَارِهِ وَخَذْ بِنِكَالِ اَعْضَائِي اِلَى اِتِّبَاعِ اَنْوَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوَّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

خدایا مرا در این ماه به برکت های سحرهایش آگاه کن، و دلم را با روشنائی انوارش روشنی بخش، و تمام اعضایم را به پیروی آثارش بگمار، به نورانیت ای نوربخش دل‌های عارفان.

درنگ

رسانه به مثابه سلاحی علیه

حامیان اسرای فلسطینی

دوستی داشتیم که در دفتر یک سازمان بین‌المللی در ایران در حوزه آموزش مشغول به کار بود و درآمد خوبی هم داشت. بعد از چندسال او را دیدم پرسیدم هنوز فلان جا کار می‌کنی؟ گفت نه؛ پرسیدم چرا؟ خیلی موقعیت خوبی به نظر می‌رسید، سفر، درآمد خوب و وجهه اجتماعی مناسب. گفت من واقعاً برای بهبود شرایط دوباره وضع آنان گزارش می‌نوشتم که در کدام شهرها دچار مشکلات بیشتری هستند و توقع داشتم این اطلاع‌رسانی من در نهایت با حمایت سازمان‌های بین‌المللی و دولت ایران به بهبود شرایط این بچه‌ها ختم شود اما از جایی به بعد احساس کردم بیشتر از اینکه چنین اتفاقی بیفتد، همین گزارش‌ها تبدیل به خطی در گزارش‌ها و قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران می‌شود و در نهایت این‌ها روی همه جمع می‌شود و تحریم جدیدی علیه ایران اعمال می‌شود.

این در حالی است که اصلاً یکی از بهانه‌های سازمان‌های بین‌المللی مالی در ایران برای تخصیص ندادن کمک مالی بویژه در حوزه پناهجویان آن هم در شرایطی که ایران یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای دنیاست، تحریم‌ها علیه ایران است، چرا که نمی‌توانند براحتی پول به ایران انتقال دهند. یعنی در شرایطی که ایران با وجود همه مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها برای میزبانی از پناهجویان تلاش می‌کند، همین سازمان‌ها علیه ایران گزارش می‌نویسند و این چرخه معیوب ادامه می‌یابد.

امروز رژیم تحریم به‌عنوان سلاح جنگی علیه کشورها استفاده می‌شود و اتفاقاً گزارش‌ها و مقاله‌های زیادی از همین عنوان هم نوشته شده است. دیگر بر کسی پوشیده نیست که جنگ اقتصادی به اندازه جنگ با توپ و تفنگ ویرانگر است تنها شکل کار متفاوت است. بهانه‌های تحریم هم متنوع و گسترده است! چند روز قبل فردی در «نیوزویک» علیه یک گروه بین‌المللی مردمی حمایت از اسرای فلسطینی به نام صامدون مطلبی مفصل نوشت و بعد هم به پارلمان اروپا رفت و در جمع نمایندگان پارلمان گفت صامدون در ایران هم فعال است و چون چندبازی اعضای آن با پرس تی وی مصاحبه کرده‌اند یا چون با تحریم‌های امریکا علیه ایران مخالف هستند، پس گروه تروریستی هستند و اتحادیه اروپا باید آنها را تحریم کند.

سپاری از قطعنامه‌ها و تحریم‌ها علیه ایران و سایر کشورها با همین پشتوانه‌های سنت تصویب می‌شود اما طوری در بسته‌بندی کار دیپلماتیک پیچیده می‌شود که هیچکس باور نکند ماجرا از خبری جعلی، گزارشی ساده یا حتی توهم‌های یک نفر آغاز شد. همین می‌شود که می‌بینید خودشان فراموش می‌کنند این فرد تازه تحریم شده، چند سال قبل فوت کرده یا قبلاً این نهاد را تحریم کرده بودند!

اصل حرف همان است که جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مدتی قبل گفت: «تحریم مانند سم دیراثر است اما بالاخره اثر می‌کند، آن هم به شکلی غیرقابل بازگشت.»

عکس‌نوشت



ایسنا در گزارش تصویری بهترین عکس‌های حیات وحش رسانه‌های سراسر دنیا را در هفته‌ای که گذشت به انتخاب گاردین منتشر کرده است. این تصویر مربوط به گوزن‌های آسیایی با نام الک در حفاظتگاه طبیعی شیشو است.